فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۳، زمستان ۱۴۰۱، صفحات۸۸-۶۳

مقاله پژوهشی

بازار در تکاپوی فراسرمایه: نوع نقش‌آفرینی بازاریان در انقلاب مشروطه

سیّد علی اصغر حسینی نوذری[۱]؛ رضا فاضل[۲]؛ حسین کردی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، شناخت چگونگی نقش‌آفرینی بازاریان در انقلاب مشروطیت ایران جهت دستیابی به فراسرمایه، تا تشکیل مجلس دوم می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی است و جهت گردآوری اطلاعات از منبع دست اول مانند خاطرات و وقایع‌نگاری‌ها ومنابع تاریخی دست دوم استفاده شده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، بازاریان در انقلاب مشروطه با نقش‌آفرینی انقلابی و به‌کارگیری سرمایه‌های اقتصادی- اجتماعی خود، توانستند در پیروزی انقلاب مشروطیت، دستیابی به فرا سرمایه و تشکیل مجلس اول شورای ملی، نقش عمده‌ای ایفا نمایند. اما بازاریان پس از دستیابی به فراسرمایه و حضور در میدان حکومت (با به دست آوردن حدود ۴۰درصد از کرسی‌های مجلس اول) ، نوع نقش‌آفرینی خود را از انقلابی به محافظه‌کار و ارتجاعی تغییر دادند و نتیجهٔ آن، به توپ بستن مجلس اول توسط محمدعلی شاه، نقش‌آفرینی انفعالی در مشروطهٔ دوم، حضور ۵درصدی بازاریان در مجلس دوم شورای ملی و از دست دادن فراسرمایهٔ بازاریان بوده است.

واژه‌های کلیدی: فراسرمایه؛ انقلاب مشروطیت؛ نوع نقش‌آفرینی؛ بازاریان؛ میدان حکومت.

[۱] . دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ، ایران.
Ali.hosseini1981@gmail.com

[۲] . استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسؤول)
rfazel49@gmail.com

[۳] . دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
hosseinkordi@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه و بیان مسأله

نقش‌آفرینی انقلابی بازاریان در جنبش تنباکو آغازی بود برای حضـــور بازاریان در میدان سیاست جامعهٔ ایران و تلاش آنها برای دستیابی به فراسرمایه در تحولات یک قرن اخیر ایران مانند انقلاب مشروطه، سقوط قاجار و سربرآوردن رضاخان، نهضت ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد و سقوط مصدق، قیام ۱۵ خرداد ، انقلاب ۵۷ و دیگر جنبش‌هایی که تاکنون نیز می‌توان آنها را دید. هرچند که تحولات ســدهٔ اخیر ایران از تحولات جهانی و گذار جوامع غربی از ســنتی به مدرن الهام گرفته اســت، اما نیروها و کارگزاران جدید دخیل در این جنبش‌ها یعنی بازاریان، روحانیون و روشــنفکران، در جنبش مشــروطه و همچنین ایلات و عشــایر در مشــروطهٔ دوم، از بازیگران ا صلی بوده‌اند. در میان گروه‌های فوق‌الذکر، بازاریان جزء گروه‌هایی بوده‌اند که تقریبا در تمامی جنبش‌های این سده نقش‌آفرینی کرده‌اند و در پیروزی و یا شکست انقلاب‌ها با تغییر نوع نقش‌آفرینی خود در فرایند انقلاب، نقش عمده‌ای داشــته‌اند. بازاریان در انقلاب مشــروطه در کنار دیگر گروه‌های شهری، به دنبال کسب نوعی از سرمایه به نام" فرا سرمایه" بوده‌اند که صرفا در میدان حکومت وجود داشــته اســت و تا آن زمان در جامعهٔ ایران فقط در دســت ایلات و عشــایر بوده است. فراسرمایه، تراکم انواع مختلف سرمایه از قبیل سرمایهٔ نیروی فیزیکی یا ابزارهای اجبار (ارتش، پلیس)، ســرمایهٔ اقتصــادی، ســرمایهٔ فرهنگی یا به تعبیر بهتر، ســرمایهٔ اطلاعاتی و ســرمایهٔ نمادین است؛ تراکمی که به دلیل همین ماهیت تراکمی آن، دولت را به دارندهٔ نوعی فراسرمایه بدل می‌کند که بر انواع دیگر ســرمایه و صــاحبان آن قدرت اعمال نفوذ می‌یابد (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۴۳-۱۴۲).

به نظر می‌رســد بازاریان برای کســب آنچه در این تحقیق، فراســرمایه می‌نامیم، با اســتفاده از ســرمایه‌های اقتصــادی و اجتماعی خود، ابتدا نقشــی انقلابی ایفا نمودند تا به میدان حکومت وارد شــوند اما پس از ورود به میدان حکومت و تشــکیل مجلس اول، نوع نقش‌آفرینی آنها تغییر پیدا نمود و در مشروطهٔ دوم، فراسرمایهٔ خود را از دست داده‌اند. بر همین اساس، این پژوهش به دنبال پا سخ به این سؤال می‌با شد: تغییرات نقش‌آفرینی بازاریان از آغاز انقلاب م شروطیت تا ت شکیل مجلس دوم، چگونه بر میزان موفقیت یا عدم موفقیت آنها در حفظ فراســرمایه تأثیرگذار بوده است؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مبانی نظری

مارکس در تحلیل نقش نیروهای اجتماعی در روند تحول جامعهٔ سرمایه‌داری به سوی انقلاب، معتقد است طبقات میانی به دو طبقهٔ اصلی یعنی بورژوا و کارگر می‌پیوندند. در اندیشهٔ مارکس، طبقات متوسط (میانی) نمی‌توانند به عنوان طبقه‌ای انقلابی نقش ایفا کنند، آنها انقلابی نیستند، بلکه، محافظه‌کار و گروهی مرتجع‌اند و تنها طبقهٔ کارگر می‌تواند به عنوان طبقهٔ انقلابی بر علیه طبقهٔ سرمایه‌دار نقش آفرینی نماید (مارکس، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۰).

مارکس با تحلیل نقش طبقات اجتماعی و ویژگی‌های آنها در تحولات اجتماعی فرانسه در میانهٔ قرن ۱۹ نشان می‌دهد چگونه انقلاب ۱۸۴۸ منجر به تأسیس دولت ارتجاعی ۱۸۵۱ گردیده است و بورژوازی به خاطر منافع خصوصی، حتی منافع عام طبقاتی خود را نیز فدا می‌کند و این امر، منجر به حذف بورژوازی از قدرت و به قدرت رسیدن سلطنت طلبان و لویی بناپارت می‌گردد (مارکس، ۱۳۸۱: ۱۱۸).

اندیشمندان مارکسیست پس از مارکس، هم‌عقیده با وی معتقد به عدم وجود روحیهٔ انقلابی‌گری در طبقات متوسط بوده‌اند و آنها را به علت داشتن موقعیت بینابینی در ساختار طبقاتی جامعه، فاقد قدرت انقلابی‌گری می‌دانند. چنانکه لنین در تحلیل خود از انقلاب۱۹۱۷ روسیه بر تزلزل طبقهٔ خرده بورژوا تأکید می‌ورزد. از نظر وی، توده‌های خرده بورژوا در تمام کشورها و در انقلاب روسیه چنین بوده‌اند (لنین، ۱۳۶۰: ۳۰-۸).

پولانزاس نیز در تحلیل نقش نیروهای اجتماعی در انقلاب‌ها معتقد است، مبارزهٔ طبقاتی (طبقات در حین مبارزهٔ طبقاتی شکل می‌گیرند) در شکل‌بندی اجتماعی سرمایه‌داری حول دو طبقهٔ اصلی، یعنی بورژوازی و طبقهٔ کارگر، متمرکز است و همانند مارکس، طبقهٔ خرده بورژوا را فاقد جهت‌گیری انقلابی می‌داند و هردو، این ویژگی مشترک را دارند که نه به بورژوازی و نه به طبقهٔ کارگر تعلق دارند (پولانزاس،۱۳۹۱: ۲۶۴- ۲۶۳).

پولانزاس برای خرده بورژوازی جدید و سنتی از نظر ایدئولوژیک، ویژگی‌هایی همچون ایدئولوژی ضد سرمایه‌دارانه، ولی اصلاح‌طلبانه و مقاوم در برابر تحول انقلابی جامعه، قدرت‌پرستی و پیوند با بناپارتیسم و فاشیسم و فقدان موضع سیاسی خود مختار دراز مدت را بر می‌شمرد (همان: ۳۶۳-۳۶۸). وی با توجه به جایگاه خرده بورژوازی سنتی و جدید و جایگاه آنها در مبارزهٔ طبقاتی معتقد است: « طبقهٔ خرده بورژوا هیچ کجا از لحاظ سیاسی، طبقهٔ مسلط نبوده است، بلکه فقط در برخی از موارد مانند فاشیسم جای طبقهٔ حکومت‌کننده را در زمینهٔ سلطه و سرکردگی سیاسی بورژوازی گرفته است؛ یا به شکلی ارتجاعی مانند برزیل « بورژوازی دلال»،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سلطهٔ سیاسی را در دست گرفته است و یا به شکل یک بورژوازی دولتی، جای یک بورژوازی استعماری خارجی را گرفته است.» (همان: ۳۷٤- ۳۷۳).

از نظر تیلی[4] «انقلاب هنگامی آغاز می‌شود که حکومتی که سابق، تحت کنترل یک جامعهٔ سیاسی حاکم قرار داشت، هدف ادعاهای مؤثر، رقیب و نفی‌کنندهٔ یکدیگر از سوی دو یا چند جامعهٔ سیاسی مجزا قرار گیرد. انقلاب وقتی پایان می‌یابد که یک جامعهٔ سیاسی واحد، بار دیگر کنترل حکومت را به دست گیرد» (تیلی،۱۳۸۵: ۸۱). در وضعیت انقلابی، سه عامل اصلی و یک عامل تسهیل‌کننده دخیل می‌باشد: ۱- ظهور افراد و یا ائتلاف‌هایی که هر یک خواهان حذف دیگری در دستیابی به حکومت هستند؛ ۲- حمایت بخش عمدهٔ مردم از این مطالبات؛ ۳- حاکمان فعلی در وضعیتی نیستند و یا ارادهٔ آن را ندارند که ائتلاف، جانشین و یا حامیان آنها را سرکوب کنند. ٤- (عامل تسهیل‌کننده) تشکیل ائتلاف‌هایی میان اعضای جامعهٔ سیاسی و مدعیانی که ادعاهای جدیدی را مطرح کردند (تیلی، ۱۳۸۳: ۳۷ ؛ تیلی، ۱۳۸۵: ۸۲).

به نظر بوردیو، دولت به عنوان یک میدان، محصول فرایند تراکم انواع مختلف سرمایه از قبیل سرمایهٔ نیروی فیزیکی یا ابزارهای اجبار (ارتش، پلیس)، سرمایهٔ اقتصادی، سرمایهٔ فرهنگی یا به تعبیر بهتر، سرمایهٔ اطلاعاتی و سرمایهٔ نمادین است؛ تراکمی که به دلیل همین ماهیت تراکمی آن، دولت را به دارندهٔ نوعی فرا- سرمایه (meta-capital) بدل می‌کند که بر انواع دیگر سرمایه و صاحبان آن قدرت اعمال نفوذ می‌یابد. تحقق دولت، حرکتی است موازی تحقق حوزهٔ قدرت که این حوزه، فضای بازی‌ای است که دارندگان سرمایه‌های گوناگون، به‌ویژه برای اعمال قدرت بر دولت، درون آن به نبرد می‌پردازند (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱٤۳-۱٤۲). دولت به عنوان دارندهٔ فرا سرمایه، میدانی است که در داخل آن کارگزارانش برای تصاحب سرمایه‌ای که به آنهاقدرت نفوذ در میدان‌های دیگر را می‌دهد با یکدیگر مبارزه می‌کنند و میدان دولت، تبدیل به یک فرامیدان می‌شود(بوردیو، ۱۳۹۷: ۳۲٦).

بوردیو، علاوه بر مطرح نمودن دولت به عنوان دارندهٔ فرا- سرمایه، در خصوص نقش‌آفرینی طبقات مختلف جامعه در میدان سیاست با توجه به ترکیب انواع سرمایه‌های آنها در فضای اجتماعی، معتقد است طبقاتی که سرمایهٔ اقتصادی آنها بیشتر از سرمایهٔ فرهنگی آنها ست مانند مهندسان، کارفرمایان بزرگ ، مدیران بخش خصوصی، تکنسین‌ها، بیشتر به گروه‌های سیاسی محافظه‌کار و جناح راست سیاسی گرایش دارند و گروه‌های دیگر مانند کارگران (ماهر و نیمه ماهر) و روشنفکران و آموزگاران، با توجه به ترکیب حجم سرمایهٔ اقتصادی و فرهنگی، به احزاب

4 .Tilly

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

و جنبش‌های چپ گرایش دارند؛ اما گروه‌هایی مانند مغازه‌داران و استادکاران و کارمندان دفتری یا همان طبقهٔ خرده بورژوا گرایش سیاسی بینابینی دارند (بوردیو، ۱۳۹۱: ٦۱۸).

بوردیو نیز همانند مارکس، لنین و پولانزاس باور دارد: « خرده بورژوا طبقه‌ای است که جایگاهش در ساختار طبقاتی جامعه او را دچار تظاهر و دوگانگی می‌نماید و از نظر سیا سی نیز مواضعی دوگانه دارند؛ در عین ناخرسندی از وضع موجود آرزوی رسیدن به ارزش‌های طبقهٔ فرادست و در نتیجه اطاعت و تسلیم در برابر آنرا به تصویر می‌کشد» (همان: ٦۲۳). وی در بحث از علت اکراه خرده بورژواها به احزاب چپ و موقعیت متزلزل آنها در جنبش‌های سیاسی چنین می‌گوید: «به هزار و یک دلیل می‌توانیم فرض کنیم که خرده بورژواها اکراه خاصی به مصالحه با حزب کمونیست دارند آنها همیشه در تزلزل و تردید هستند و به هنگام بحران، می‌توانند ناگهان تغییر موضع دهند» (همان: ٦۲٤). براساس نظریه‌های فوق در خصوص نقش طبقات سرمایه‌دار و خرده بورژوازی در انقلاب ها و تغییرات نقش‌آفرینی این طبقات در فرآیند انقلاب، چهارچوب نظری این پژوهش تدوین گردیده است که در ادامه به توضیح آن خواهیم پرداخت.

چهارچوب نظری

در این پژوهش سعی شده ا ست با ا ستفاده از نظریه‌های فوق، بخ صوص اندی شه‌های پولانزاس و بوردیو و مرور پژوهش‌های پی شین در خ صوص انقلاب م شروطه و نقش بازاریان در آن مانند اشرف و بنو عزیزی (۱۳۵۹و۱۳۸۷)، ترابی فارسانی (۱۳۸٤) و آبراهامیان (۱۳۹٤)چهارچوبی نظری برای تبیین چگونگی نقش‌آفرینی بازاریان در انقلاب مشروطه جهت د ستیابی به فرا سرمایه، تدوین گردد. مرور پژوهش‌های پی شین ن شان می‌دهد که بی شتر تحقیقات انجام شده در خصوص نقش بازار در انقلاب م شروطه بر بعد اقتصادی بازاریان تأکید دارند، ولی این پژوهش در کنار توجه به بعد اقتصادی بازار، به سرمایه‌های اجتماعی بازاریان و همچنین به کارگیری مفهوم جدیدی به نام "فراسرمایه" توجه دارد که در ادامه توضیحات مربوطه ارائه می‌گردد. به نظر می‌رسد در فضای اجتماعی جامعهٔ ایران، نوعی سرمایه با عنوان فراسرمایه وجود دارد که اهمیت بی شتری از دیگر انواع سرمایه دارد و عاملان اجتماعی در میدان حکومت، توانایی بیشتری نسبت به عاملان دیگر میدان‌ها دارند، زیرا عاملان اجتماعی با ورود به میدان حکومت (از دستیابی به پادشاهی تا حکمرانی مناطق، ایلخانی، کلانتر، کدخدا، و داروغه)، که از نظر بوردیو(۱۳۹۷: ۳۲٦) یک فرامیدان است می‌توانند به فراسرمایه دست یابند. چنانکه یک سردار نظامی پس از رسیدن به قدرت و کسب عنوان پادشاهی، سرمایه‌های اقتصادی جامعه (یعنی تمامی منابع اقتصادی اعم از انسانی، مالی، طبیعی) و بالاترین سرمایهٔ فرهنگی و نمادین (تبدیل شدن به پادشاه و سایهٔ خدا) را به دست می‌آورد و در رأس فضای اجتماعی قرار می‌گیرد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شاید به جرأت بتوان گفت هدف اصلی بازاریان در انقلاب مشروطه و تلاش آنها در میدان سیاست، حضور در میدان حکومت و دستیابی به فراسرمایه بوده است تا بتوانند بر دیگر میدان‌ها، به‌خصوص میدان اقتصادی که سرمایه‌های اصلی آنها در آن قرار داشته است، سلطه یابند و در این میان، سرمایهٔ اقتصادی و سرمایهٔ اجتماعی بازاریان، در نوع نقش‌آفرینی آنها در انقلاب مشروطه تأثیر بسزایی داشته است (حسینی نوذری و همکاران،۱۴۰۱ :۲۹۵)

در جامعهٔ ایران، تا قبل از انقلاب مشروطیت، بازاریان به عنوان عاملان اجتماعی میدان اقتصادی، تلاشی در جهت کسب فراسرمایه نداشته‌اند و قدرت در میدان حکومت، بین ایلات و عشایر دست به دست می شد. اما برخورد ایران با مدرنیته و نظام رو به گسترش سرمایه‌داری، ساختار میدان‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) را دچار بحران نمود و کشمکش میان عاملان میدان‌های مختلف (مانند بازاریان ، روشنفکران و روحانیت) با دولت قاجار را به‌وجود آورد. به‌علاوه مراودات بازاریان با اروپاییان در ایران و دیگر کشورها آنها را با شکل‌های جدید حکومت و دموکراسی غربی آشنا نمود و تشکیل مجلس را یکی از راه‌های ورود خود به میدان حکومت در جامعهٔ آن روز ایران یافتند. آنچه مسلم است ، سرمایهٔ اقتصادی و اجتماعی منحصربه‌فردی که بازاریان داشته‌اند، در دیگر طبقات کمتر وجود داشته است، به آنها قدرت بسیج‌کنندگی جهت نقش‌آفرینی انقلابی را در جنبش مشروطه داده است (حسینی نوذری و همکاران، ۱۴۰۱ :۲٦۸).

به نظر می‌رسد جایگاه بازاریان در فضای اجتماعی جامعهٔ ایران و تغییرات نقش‌آفرینی آنها در فرآیند انقلاب مشروطه (مشابه خرده بورژوازی و سرمایه‌دار واسطه‌گر در اندیشه‌های مارکس، لنین، پولانزاس و بوردیو می‌باشد) تا مجلس دوم، بر دستیابی و از دست دادن فراسرمایه توسط بازاریان تاثیر به سزایی داشته است. بر همین اساس، این پژوهش به دنبال تبیین چگونگی نقش آفرینی بازاریان در انقلاب مشروطیت تا مجلس دوم و به تغییرات نوع نقش آفرینی (انقلابی، انفعالی، محافظه کارانه، ارتجاعی) آنها در انقلاب مشروطه جهت دستر سی به فرا سرمایه توجه دارد.

فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

۱. نقش‌آفرینی انقلابی بازاریان (با استفاده از سرمایه‌های اقتصادی- اجتماعی آنان) در انقلاب مشروطه منجر به دستیابی بازاریان به فراسرمایه و تشکیل مجلس اول شورای ملی در دورهٔ قاجار گردید.

۲. تغییر نقش‌آفرینی بازاریان از انقلابی به محافظه کارانه پس از ورود به مجلس اول، منجر به از دست رفتن فراسرمایهٔ بازاریان و خروج آنها از میدان حکومت در مجلس دوم گردید.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی است و شیوهٔ گردآوری اطلاعات، «کتابخانه‌ای و اسنادی» می‌باشد . ابزار گردآوری ،«فیش برداری» و جهت استخراج اطلاعات از منابع تاریخی د ست اول مانند خاطرات ا سناد و وقایع نگاری‌ها و منابع د ست دوم تاریخی و تاریخ اقت صادی- اجتماعی مرتبط با دوران قاجار و انقلاب مشروطیت استفاده شده است. با توجه به اینکه بازاریان در روند جنبش مشروطه در شهرهای مختلف فعال بوده‌اند، تمرکز این پژوهش بر روی فعالیت بازاریان در شهر تهران، به عنوان کانون انقلاب، متمرکز می‌باشد. در این تحقیق، واحد تحلیل، گروه بازاریان می‌باشند.

جدول شمارهٔ یک-متغیرهای اصلی تحقیق و شاخص‌ها

متغیر	معرف ها
نوع نقش آفرینی بازاریان	انقلابی و مخالف وضع موجود
	ضد انقلابی و موافق وضع موجود
	میانه‌روی و اصلاح طلبی
	بی طرفی سیاسی
فراسرمایه	دستیابی به مناصب و قدرت در قوهٔ مجریه
	دستیابی به مناصب و قدرت در قوهٔ مقننه
	دستیابی به مناصب و قدرت در قوهٔ قضائیه

یافته‌های تحقیق

نقش‌آفرینی انقلابی بازاریان درمشروطهٔ اول (تشکیل اولین مجلس شورای ملی) و دستیابی آنها به فراسرمایه

بازاریان در جنبش مشروطه با حمایت متقابل دیگرگروه‌های شهری، به‌خصوص روحانیون، توانستند در پیروزی انقلاب مشروطه، نقشی انقلابی ایفا نمایند و وارد میدان حکومت شوند. مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی اعم از حضور در مساجد و مجالس عزاداری و روضه خوانی و حمایت متقابل علما و بازاریان در جریان بست‌نشینی در حرم عبدالعظیم موجب روشن شدن موتور انقلاب و آغاز کشمکش گردید (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۲۳-۲۱).

حادثه‌ای دیگر، کمیابی و گرانی قند و فلک کردن دو تن از تجار قند تهران در دارالحکومه بوده است (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۰). با این حرکت حاکم در بازار که یک شبکهٔ اجتماعی برای پخش خبر و همچنین بسیج نیروها بوده است، بلوا به پا شد و بستگان مضروبین و تجار دست به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شورش زدند. این واقعه را می‌توان مصداق حمایت بازاریان از یکدیگر و روحانیت از بازاریان در این مرحله دانست. روحانیون و بازاریان معترض که حامیان یکدیگر بوده‌اند و تجربهٔ تاریخی زیادی در استفاده از این ابزار داشته‌اند، فردای آن‌روز با رهبری بهبهانی و صدرالعلما به مسجد شاه می‌روند و بازارها بسته می شود (همان: ۱۱).

در این مرحله بازاریان و روحانیون در راستای اهداف خودشان دست به تحصن و اعتراض زده بودند و از مشروطه خواهی، تشکیل مجلس شورای ملی و منافع دیگر گروه‌ها، بحثی در میان آنها مطرح نبوده است. آنها در واقع حتی به دنبال تغییر ساختار سیاسی و نقش‌آفرینی انقلابی جهت دگرگونی ساختارهای سیاسی-اجتماعی نیز نبوده‌اند و بیشتر منافع طبقاتی خود را دنبال می‌کردند. درخواست‌های متحصنین در عبدالعظیم موارد ذیل را دربر داشته است: ۱. عزل علاءالدوله از حکومت تهران؛۲. عزل نوز[5] از ریاست گمرکات؛ ۳. امنیت دادن به همراهان ایشان بعد از آمدن به شهر٤. برگرداندن مدرسهٔ خان مروی به اولاد حاجی میرزا حسن آشتیانی؛ ۵. سیاست نمودن عسگر نام گاریچی راه قم؛ ٦. تجلیل نمودن از میرزا محمدرضا یکی از علمای کرمان که از طرف حکومت کرمان به او بی احترامی شده است؛ ۷. برداشتن قیمت تمبر دولتی از مستمریات روحانیون؛ ۸. تأسیس دیوان عدالتی بر طبق شرع (همان: ۲۵- ۲۰).

واقعهٔ دیگری که در روند جنبش مشروطه موجب اوج‌گیری دوبارهٔ کشمکش‌ها و اوج‌گیری نقش‌آفرینی انقلابی بازاریان گردید، قتل طلبه‌ای جوان در بازار به دست مأموران بوده است. با این واقعه، نقش‌آفرینی انقلابی آنها جهت دستیابی به فرا سرمایه آغاز شد. آنها در این مرحله با کمک متحدانی که خلأ سرمایهٔ فرهنگی آنها را پر می‌نمودند، یعنی روشنفکران و روحانیون مشروطه‌خواه، نوع درخواست‌های خود را تغییر دادند و به دنبال نقش‌آفرینی انقلابی و تلاش جهت دستیابی به فراسرمایه و حضور در میدان حکومت برآمدند. در خصوص آغاز درگیری‌های سال۱۲۸۵ ش/۱۹۰٦م و حمایت شبکهٔ بازار از روحانیت در برابر مأموران دولتی در کتاب آبی آمده است:

«در یازدهم ماه ژویه (۲۰ تیر؛ ۱۸ جمادی الاول۱۳۲٤ه.ق) وزیراعظم امر به قید یکی از وعاظ معروف نمود. همان وقت که او را مقید ساخته می‌خواستند ببرند، یک زنی مردم را از گرفتاری وی مطلع ساخت. جمع کثیری از کسبه و غیره برای استخلاص او از هر جانب هجوم آوردند. رئیس مأمورین که از صاحب منصبان نظامی بود، سربازها را فرمان شلیک داد. سربازها امتناع ورزیده امر صاحب منصب را اطاعت نکردند. فرمانده، خودش مبادرت به شلیک کرده، جوان سیدی را هدف گلوله ساخت؛ مردم از کشته شدن سید به هیجان آمده به قراولخانه‌ای که واعظ

5 .Naus

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مذکور در آنجا حبس بود حمله آوردند و در این وقت، چهار تیر از طرف سربازها شلیک شد و چند نفر از مردم مجروح گشتند» (بشیری،۱۳۶۳: ۷).

بازاریان طبق سنت دیرینهٔ خود و سرمایهٔ اجتماعی بالایی که برخوردار بوده اند (شبکه‌های بازار و مسجد جامع به عنوان یکی از نهادهای اصلی تجمع بازاریان و مشارکت اجتماعی و حمایت از گروه‌های دیگر) با اتحاد روحانیون به مقابله با دولت پرداختند. از این زمان بازاریان به صورت علنی وارد جنبش م شروطه‌خواهی شدند و به یکی از نیروهای اجتماعی انقلابی ا صلی تبدیل شدند.

پس از اعتراضات، بهبهانی و طباطبایی به همراه عده‌ای از روحانیون و طلاب که حدود دویست و پنجاه نفر بوده‌اند از طهران به قم مهاجرت نمودند و به بازاریان پیشنهاد تحصن در سفارت انگلیس را دادند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸۲). بازاریان با ا ستفاده از شبکه‌های اجتماعی خود در بازار (به‌خصوص اصناف) و اعتبارشان نزد سفارت توانستند جمعیتی حدود پانزده هزار نفر را در سفارت انگلیس گرد هم آورند و با بستن بازار، حمایت همه جانبهٔ خود را از انقلاب اعلام نمایند (همان: ۱۸۷).

آنها به علت انباشت سرمایهٔ اجتماعی و به‌خصوص جلب اعتماد اجتماعی نمایندگان دولت‌های غربی، توانستند با هزینه نمودن سرمایهٔ اجتماعی- اقتصادی شان کمک بزرگی به حفظ روند انقلابی در جامعه نمایند و با بسیج نیروهای انسانی خود در این مرحله، جمعیت عظیمی را در سفارت گردآوری کنند. ملک‌زاده در خصوص تحصن بازاریان در سفارت انگلیس می‌نویسد: «نقشهٔ این کار را عده‌ای از تجار آزادی‌خواه و روسای اصناف و رهبران مشروطیت کشیده بودند و از طرف رهبران نهضت با نمایندگان سفارت مذاکره شده بود» (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۳۷۳).

در این مرحله، بازاریان با ایفای نقش انقلابی و همچنین ا ستفاده از سرمایهٔ اجتماعی(اعم از اعتماد اجتماعی متقابل بازاریان و رهبران جنبش، اعتماد نهادی آنها و شبکه‌های اجتماعی بازار) و اقتصادی‌شان توانستند نیروی انقلابی عظیمی را بسیج کند. بازاریان درخواست مجلس شورای ملی را به درخواست‌های خود الحاق نمودند و در واقع راه برون‌رفت از مشکلات را حضور در میدان حکومت و د ستیابی به فرا سرمایه یافتند. شریف کا شانی در خصوص ا ستفادهٔ بازاریان از سرمایهٔ اقتصادی شان در این مرحله می‌نویسد: «تجار هم، پولی سرنویس کرده، ناظر، آ شپزخانه، ا سباب، چراغ و فرش و اسباب لوازمات در سفارت را مرتب و مهیا کرده؛ با امیدواری ساکن شده‌اند. تقریبا قریب بیست و چهار هزار نفر جمعیت در سفارت مقیم کردند» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۷۳).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سرمایهٔ اقتصادی پولی و نیروی کار در اختیار بازاریان در این مرحله کمک شایانی به پیشبرد اهداف انقلاب و بسیج توده‌های رده پایین و پایداری آنان در بست‌نشینی و ایفای نقش انقلابی در این مرحله نمود؛ چنان‌که تفرشی در خصوص تقبل هزینهٔ شاگردان کسبه می‌گوید: «ناس مستعد براجرای قول خود هستند. زیرا که تجار یکصد هزار تومان حاضر نموده‌اند که در سفارت تا هر مدتی که بمانند خرج نمایند. تجار به کسبهٔ جزء گفته‌اند که جهت شاگردهای شما هم قراری خواهیم گذاشت و شاگردهای خود را اجرت نصفه بدهند » (تفرشی، ۱۳۸٦: ۲۷).

مشارکت بازاریان در بست‌نشینی سفارت انگلیس بیش از بیست و سه روز ادامه پیدا نمود و آنها در این مدت با حمایت‌های اقتصادی خود بخش عمده‌ایی از هزینه‌ها را برعهده گرفتند و کمک مالی تجار بزرگ، علاوه بر تأمین هزینهٔ بست‌نشینی، کمک مالی به علما در قم را نیز در بر می‌گرفت (کرمانی، ۱۳۹۰: ۵۱۳-۵۱۱). هزینه‌ای که بازاریان از سرمایه‌های اقتصادی و سرمایه‌های اجتماعی خود (مانند پرداخت هزینهٔ تحصن‌کنندگان، تعطیلی بازار وپرداخت شاگردان بازار، حمایت از گروه‌های انقلابی، روشنفکران و روحانیون، مشارکت در بست‌نشینی، حمایت از یکدیگر در بستن بازار) در این دوره نمودند، منجر به پیروزی انقلاب مشروطه گردید و سرانجام مظفرالدین شاه با درخواست متحصنین موافقت کرد و دست‌خطی را مبنی بر تشکیل مجلس شورای ملی یا همان فرمان مشروطیت، در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ش(۵اوت ۱۹۰٦م) صادر می‌کند و بازاریان در این مرحله به کمک روحانیون و روشنفکران، موفق به حضور در میدان حکومت و دستیابی به فراسرمایه در تاریخ ایران می‌گردند. بازاریان بیش از ۵۰ درصد از نمایندگان تهران و ٤۱ درصد از کل نمایندگان دورهٔ اول مجلس شورای ملی را تشکیل می‌دادند (شجیعی،۱۳۸۳: ۲۵۵). آنها بخش عمده‌ای از کرسی‌های مجلس اول را به خود شان اختصاص دادند، ولی در قوهٔ مجریه و دولت‌های مشروطه نتوانستند نقش‌آفرینی چندانی داشته باشند.

نقش‌آفرینی محافظه‌کارانه و ارتجاعی بازاریان پس از دستیابی به فراسرمایه در اولین دورهٔ مجلس

امور مربوط به افتتاح مجلس اول شورای ملی و همچنین تهیهٔ نظام‌نامهٔ بیشتر بر عهدهٔ دیوان‌سالاران و روشنفکران و علما بوده است. کسانی که از نظر سرمایهٔ فرهنگی در آن دوران در سطح بالاتری ازمردم عادی و بازاریان قرار داشته‌اند؛ به عنوان مثال، افتتاح مجلس و اولین روز گردهم‌آیی توسط عضدالملک انجام شد و صدر اعظم خطابهٔ افتتاحیهٔ مجلس و مشروطیت را خواند (دولت آبادی ، ۱۳٦۲: ۸۳).

قبل از افتتاح مجلس شورای ملّی و برگزاری انتخابات مجلس اول، هیأتی به نام هیأت نظارت بر انتخابات، طبق پیشنهاد صدراعظم و ابلاغ مظفرالدین شاه، انتخاب شدند. هیأت نظارت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بر انتخابات مجلس اول متشکل از نمایندگان گروه‌های مختلف بوده است. اسامی اعضای هیأت نظارت بر انتخابات شامل، مخبرالسلطنه (رئیس هیأت نظارت بر انتخابات)، مشیر دیوان منشی باشی(نمایندهٔ صدراعظم در هیأت نظارت) ، اعظم‌السلطنه و خازن‌الملک (نمایندهٔ حکومت طهران در هیأت نظارت) ، اسدالله میرزا و ثقه‌السلطنه(نمایندهٔ شاهزادگان در هیأت نظارت)، امجدالسطان (نمایندهٔ طایفهٔ قاجاریه)، آقا سید حاج آقا و میرزا طاهر تنکابنی و سید محمدتقی هراتی و شیخ سیف‌الدین (نمایندهٔ علما در هیأت نظارت)، حاج سید محمد صراف (نمایندهٔ تجار در هیأت نظارت)، حاج محمدابراهیم و آقا شیخ حسن سقط فروش (نمایندهٔ اصناف در هیأت نظارت) بوده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۲۳).

این رویداد، اولین تجربهٔ بازاریان در دستیابی به فرا سرمایه بوده است و تجربهٔ قدرت را در حکومت نصیب آنها نمود. هرچند آنها فقط توانستند در قوهٔ مقننه نقش‌های سیاسی به دست آورند و به عنوان نمایندگان مجلس بخش عمده‌ای از کرسی‌ها را به خود شان اختصاص دهند، ولی در قوهٔ مجریه و دولت‌های مشروطه نتوانستند نقش‌آفرینی نمایند. آنها در نوشتن قانون انتخابات نیز نقش عمده‌ای داشته‌اند (همان: ۲۰۹).

در انتخابات مجلس اول، شش گروه شرکت داشتند: ۱) شاهزادگان و و اعضای خانوادهٔ قاجار ۲) روحانیون و طلاب ۳) اشراف فئودال ٤) تجار ٥) ملاکین و کشاورزان ٦) پیشه‌وران و اصناف. برای استفاده از این حق، یک نصاب مالی تعیین شده بود. برای ساکنین دهات، مالکیت زمینی که ارزش آن کمتر از هزار تومان نبا شد و برای تجار و پیشه‌وران داشتن دکان خصوصی شرط بود. بنابراین خرده بورژوازی پایین بازار از حق انتخابات محروم بودند (ایوانف، ۱۳٥٤: ۳۰). از همین گروه بودند کسانی که در دورهٔ مجلس اول بخشی از جبههٔ مخالفین مشروطه را پر می‌کردند و در حوادث بعدی مانند واقعهٔ میدان توپخانه و یا حرکت‌های اعتراضی شیخ فضل‌اله نوری در جبههٔ مخالفان مشروطه قرار گرفتند.

برای افتتاح مجلس قرار بر این شد که شصت و یک نفر وکیل در تهران انتخاب شود تا بتوانند مجلس را افتتاح کنند و وکلای ولایات برسند. با بررسی مشخصات نمایندگان از منابع تاریخی مشاهده می‌شود، بیش از ۵۰درصد از نمایندگان تهران را در این زمان بازاریان (اعم از تجار و اصناف) تشکیل می‌دهند (شریف کاشانی، ۱۳٦۲: ۹۸– ۹۷). طبق تحقیقات شجیعی بازاریان ٤۱ در صد از کل نمایندگان دورهٔ اول را تشکیل می‌داده‌اند که در دورهٔ دوم به ۱۰ در صد کاهش یافت(شجیعی،۱۳۸۳: ۲۵۵).

علاوه براین، نمایندگان بازار در هیأت رییسهٔ اول مجلس، حضور فعال داشته‌اند. اعضای هیأت رئیسه عبارت بوده‌اند : شیخ الدوله رئیس مجلس شورای ملی، وثوق‌الدوله نائب رئیس اول

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

(نمایندهٔ تجار بود با اینکه جزء اعیان بود)، امین‌الضـــرب نائب رئیس دوم و آقایان ســیدمحمدتقی هراتی (وکیل اصناف)، حاج سید نصراله تقوی (وکیل طلاب)، دبیرالسلطان و عون‌الدوله، به‌عنوان اعضای دفتر شورای ملی انتخاب گردیدند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۵۵).

بازاریان با توجه به اعتبار و اعتماد اجتماعی بالای خود در جامعه، در بخش قوهٔ مقننه یکی از ارکان اصلی حکومت را تشکیل می‌داده‌اند و نقشی جدی در این بخش داشته‌اند. اتحادیه در خصوص نقش بازاریان اعم از تجار و اصناف در مجلس اول می‌گوید: «ظاهرا بعضی از بازرگانان بزرگ، در تهیهٔ قانون انتخابات شـــرکت کردند و به خصـــوص از حاج امین‌الضـــرب نام برده‌اند. می‌شود گفت تعداد کرسی‌هایی که به بازرگان‌ها و اصناف تخصیص داده شد، تا حدی در اثر نفوذ اجتماعی آنان بود. خود تجار نیز ده نفر نماینده از تهران داشتند که پنج نفرشان در انقلاب فعالیت کرده بودند؛ از جمله حاج امین‌الضرب، معین‌التجار، آقا محمد شال فروش، حاج محمد اسماعیل مغازه و آقا محمود تاجر اصـــفهانی. تاجران معتبر دیگری که به وکالت رســـیدند، حاج محمدتقی شاهرودی و حاج سیدمرتضی مرتضوی بودند» (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

تا این مرحله از جنبش مشـــروطه‌خواهی، بازاریان در امور مربوط به مجلس و برقراری مشروطیت، نقشی انقلابی و پیشرو داشته‌اند اما با آغاز کار مجلس بازاریان، خصلت‌های خرده بورژوایی را در تاریخ ایران به تصویر کشیدند و برخی از تاریخ نویسان نیز به رفتارها و عملکرد محافظه کارانهٔ آنان در طول مجلس اول اشـاره نمودند. اتحادیه در خصـوص انفعال سـیاسـی در مجلس از سوی بازاریان می‌نویسد: «با آنکه ۲۶٪ از کرسی‌های مجلس به اصناف تعلق گرفت، باز هم این طبقه قدرتی نیافت و بازرگانان هم با وجود امکانات مالی، نفوذ ســـیاســـی پیدا نکردند. روحانیون هم، چون متحد نبودند، پس از مدتی ضعیف شدند. بنابراین نفوذ سیاسی، چه در خارج از مجلس و چه در داخل مجلس، در دست طبقهٔ اشراف و مالکین باقی ماند» (همان: ۱۸۱).

طبق اظهارات تقی‌زاده، بازاریان در گروه آزادی‌خواهان، کمترین حضـــور را داشـــته‌اند؛ وکیل‌التجار به‌علاوهٔ پنج نفر دیگر از اصـــناف در گروه بیســـت یا بیســـت و پنج نفری تندروان (آزادی‌خواهان) قرار می‌گرفتند. اما درگروه ســی و پنج نفری میانه‌رو (معتدل و محافظه‌کار) حدود ۱۹ نفر از بازاریان قرار داشـــته‌اند که یازده نفر آنها جزو تجار ســـرشـــناس بوده‌اند (همان: ۲۱۵ – ۲۱۲).

چنان که از آمار فوق بر می‌آید مابقی وکلای بازاری در گروه بی‌طرف و یا مرتجع قرار می‌گرفته‌اند، هرچند این آمار در طول مجلس اول متغیر بوده اســـت. اصـــناف گاهی با اعدالیون و گاهی با تندروها همکاری می‌کردند و به صـــورت مدام از یک گروه حمایت نمی‌کردند (همان: ۱۹۷). اما به نظر، گرایش آنها به گروه‌های محافظه‌کار بیش از تندرو بوده اســـت. این عدم ثبات را

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

می‌توان طبق تحلیل نظریه‌پردازانی چون مارکس، پولانزاس و بوردیو ناشی از جایگاه واسط طبقاتی آنها در جامعه دانست. نمایندگان اصناف در کمیته‌های مجلس که امور مهم و تصمیم‌گیری‌ها انجام می‌شد، عضویت نداشتند و در سخنرانی‌ها شرکت نمی‌کردند. آنها معمولا تحت نفوذ علما و تجار بزرگ قرار داشتند و به راحتی تحت تأثیر این دو گروه قرار می‌گرفتند (همان: ۱۹۸).

آدمیت در خصوص ترکیب جریان‌های سیاسی در مجلس اول و گرایش سیاسی نمایندگان بازاری می‌گوید: «در طبقهٔ تجار، علاوه بر میانه‌روان، افراد ترقی‌خواه و رادیکال نیز وجود داشتند. اصناف روی هم رفته، در زمره نمایندگان میانه‌رو به شمار می‌آیند. تنها یکی از وکلای اصناف، موضع انقلابی داشت، اما او خود از پیشه‌وران نبود» (آدمیت،۱۳۸۷: ۳٦۱).

آدمیت، جناح‌های مجلس را به چهار گروه تقسیم می‌کند که یک‌سو جناح راست محافظه‌کار و در سوی دیگر جناح چپ تندرو (انقلابیون) و بین این دو گروه، میانه‌روها یعنی ترقی‌خواهان (متمایل به گروه محافظه‌کار) و رادیکال‌ها [لیبرال‌ها] را قرار می‌دهد. اصناف که سهم عمدهٔ نمایندگان بازاری را در دست داشتند، بیشتر به گروه‌های محافظه‌کار نزدیک بودند تا گروه‌های چپ انقلابی. گروه میانه‌رو مشروطه‌خواه را مجتهدان، بازرگانان و اصناف می‌ساختند و اغلب با ترقی‌خواهان هم‌رأی بودند (همان: ۳٦۳– ۳٦۲) و از افرادی که در جناح انقلابی مجلس بودند، نام و نشانی از بازاریان به چشم نمی‌خورد (آدمیت، بی تا: ۱۱۰– ۱۰۸)؛ همان‌طور که بوردیو نیز در تحلیل گرایش‌های سیاسی گروه‌های مختلف خرده بورژوازی در فرانسه، آنها را بیشتر متمایل به احزاب سیاسی محافظه‌کار و دست راستی معرفی می‌کند (بوردیو، ۱۳۹۱: ٦۱۸).

بازاریان پس از استقرار آغاز کار مجلس در گروه‌بندی‌های سیاسی درون مجلس، رویه‌ای محافظه‌کارانه در پیش گرفتند و در عمل نیز، محافظه کاری و حتی گرایش به ارتجاع (مانند حمایت جدی از بازگشت اتابک) را سرلوحهٔ عمل سیاسی خود قرار دادند. آنها چه در خصوص اقلیت انقلابی درون مجلس و چه در خصوص گروه‌های انقلابی بیرون از مجلس موضعی مخالف داشته‌اند.

چنان‌که از اسناد بر می‌آید، نمایندگان بازار جزء مخالفین جناح‌های انقلابی بوده‌اند و در مجلس نیز مخالفت خود را اعلام کردند (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۵۱۰). مجلس در مقابل گروه‌ها و انجمن‌های تندرو و انقلابی داخل و خارج از مجلس، موضع‌گیری نمود و در مجلس، میان نمایندگان بحث جهت خواباندن اعتراضات به وجود آمد. برخی از نمایندگان مانند مرتضی قلی‌خان، تبعید ماجراجویان را خواست؛ وکیل‌التجار، مجازات و معرفی معترضین به عدلیه را مطرح کرد و محمداسماعیل‌آقا، تعطیلی تا توقف تظاهرات را پیشنهاد نمودند. از سوی دیگر حتی فکر تصفیهٔ مجلس از عناصر افراطی و انحلال انجمن‌های آشوب‌طلب پدید آمد. در مجلس،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اولین لایحهٔ برای کنترل و سرکوب جریان انقلابی توسط محمدتقی هروی نمایندهٔ اصناف پایتخت به صورت خطابه ایراد گردید (آدمیت، بی تا: ۱۱۵– ۱۱۲).

علاوه بر تغییر نقش‌آفرینی بازاریان در مجلس اول، از انقلابی به میانه‌رو و محافظه‌کار، یکی از رویدادهایی که در این دوره، نشـــان دهندهٔ عدم ثبات بازاریان در نقش‌آفرینی انقلابی‌شـــان بوده است و میل به ارتجاع و دیکتاتوری را در بین آنها به تصویر می‌کشد، بازگشت اتابک و حمایت نمایندگان بازار از وی می‌باشد. امین‌الضرب از سوی بازاریان و بهبهانی از طرف روحانیون سعی وافری در به قدرت رساندن امین‌السلطان داشته‌اند (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۱۲۵)؛ این افراد با همراه نمودن نمایندگان بازاری مجلس با خودشان توانستند رأی اکثریت را برای صدارت دوبارهٔ ارتجاع و استبداد به دست آورند. بازاریان با حمایت از روحانیت (یار دیرین خود) و اتحاد دیوانسالاران مرتجع، راه جدیدی را در برابر جنبش مشروطهٔ ایران باز می‌کنند.

نمایندگان بازار با استفاده از سرمایهٔ اجتماعی بالایی که داشته‌اند و حمایت متقابل روحانیون، در این برههٔ تاریخی از سرمایهٔ اجتماعی‌شان در جهت مخالف آرمان‌های مشروطه استفاده کردند. در مقابل اکثریت، اقلیت مجلس که تقی‌زاده و رفقای او می‌باشـند، با امین‌السـلطان مخالف بوده‌اند که مخالفت آنها منجر به قدغن نمودن تقی‌زاده به نطق در مجلس می‌شـود. اتحادیه در خصـوص حمایت نمایندگان بازار از اتابک می‌نویسد:

«صـنیع‌الدوله از هواداران سـرسـخت اتابک بود و تجار با نفوذی مانند امین‌الضـرب، معین‌التجار، حاجی محمد اسـماعیل تبریزی و بعضـی وکلای اصـناف که از بازرگانان پیروی می‌کردند، حامی اتابک بودند. سـید عبدالله بهبهانی و حاجی نوراله اخوی نیز از وی حمایت می‌کردند. در این حال یک دسـته کوچک، به سـرکردگی تقی‌زاده با اتابک مخالف بودند» (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

در مجلس دستور صادر گردید که از بلوا جلوگیری شود و در ورود امین‌السلطان منعی وجود نداشته باشد. مجلس این تصمیم را با اکثریت ۷۲ رأی موافق، چهار رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع گرفت (آدمیت، بی تا: ۵۸). ملک‌زاده می‌نویسد:

«مهم‌ترین اشخاصی که با اقلیت تندرو مجلس مخالف بودند، آقا سید عبدالله بهبهانی و چند نفر تجار متنفذ از قبیل حاجی امین‌الضـرب، حاجی معین بوشـهری، حاجی محمدتقی بنکدار و حاجی محمد اسماعیل آقا بودند که خود را ارکان مشروطیت می‌دانستند و اکثریت مجلس را هم در دست داشتند. بعد از ورود میرزاعلی اصغرخان اتابک به تهران و رسیدنش به مقام صدرات، اکثریت مجلس که حامی او بود، مخصـوصـا بهبهانی و حاجی معین بوشـهری که از دیر زمانی زمامداری او را آرزو داشـتند، موقع را برای از میان بردن اقلیت تندرو و انقلابی مسـاعد دیدند و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

امیدوار بودند که با دستیاری رئیس دولت آنان را از مجلس برانند و میدان را از مخالفین خود پاک کنند» (ملک‌زاد، ۱۳۷۳: ۵۰۹).

این موضوع تا بدان حد بدیهی و روشن بوده است که کنسول انگلیس در خصوص اکثریت مجلس، که بازاریان (اصناف و تجار) اجزاء اصلی آن بوده‌اند می‌نویسند: «اکثریت مجلس با اتابک همراه بود ولی افکار عامه این همراهی را شاهد طرح یک نقشه و تدبیر سوئی مابین اتابک و اکثریت مجلس که گمان شده بود به گرفتن پول رام شده‌اند پندا شتند، چنانچه در مورد آقا سید عبداله، این مسأله را حتمی می دانستند» (بشیری، ۱۳۶۳: ۷۸).

به هرحال اتابک به قدرت رسید و با همان سیاست دوگانه‌اش یعنی ترساندن شاه ازمجلس و بالعکس به صدارت پرداخت (زرین‌کوب، ۱۳۸۰: ۲۵). سیاست‌های متزورانه و دوگانهٔ اتابک علاوه بر اینکه مشکلی را در رابطه با محمد علی شاه و مجلس حل ننمود، بلکه منجر به ترور وی در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ه.ق، برابر با ۸ شهریور ۱۲۸٦به دست عباس آقا صراف تبریزی گردید (ترابی فارسانی،۱۳۸٤: ۱٦۲). محافظه‌کاری بازاریان و گرایش آنها به اتابک در روند مجلس اول، چنانکه خواهیم دید، مسیر رویدادهای آینده را به سمت محافظه‌کاری و گرایش به ارتجاع بازاریان سوق داد و موجب عقب‌نشینی مواضع مجلس در برابر استبداد و تلاش برای حذف گروه‌های انقلابی و در نتیجه از دست رفتن فراسرمایهٔ بازاریان در مجلس دوم گردید.

موضع نمایندگان بازار در این مرحله، طرفداری از اتابک و درخواست مجازات مرتکبین به این اقدام و حذف انقلابیون تندرو بوده است و نمایندگان بازار، پس از قتل اتابک، با لایحهٔ اعتراضی به این مضمون به مجلس آمدند:

«هیأت اصناف و تجار و کسبه اعلام می‌کند که قتل این شخص که صدر اعظم مملکت و مشروطه‌خواه و خدمت‌گزار دولت و ملت بوده است، به ظلم و طغیان واقع شده و ما از مجلس و دولت می‌خواهیم که محرکان این جنایت را مجازات قانونی بدهند و الا ما اصناف، وکلای محترم را آسوده نخواهیم گذاشت » (آدمیت، بی تا: ۱۷۸).

بازاریان پس از قتل امین‌السلطان، در مجلس تلاش داشته‌اند تا احتشام‌السلطنه را که گرایش به محمدعلی شاه داشته است، به‌عنوان رئیس مجلس، جایگزین سعدوالدوله نمایند تا بار دیگر گروه محافظه‌کار، قدرت را در مجلس در دست بگیرد. این گرایشات بازاریان در مجلس، نشان از تغییر نقش‌آفرینی انقلابی بازاریان به نقش‌آفرینی محافظه‌کارانه و حتی ارتجاعی داشته است. در این مرحله، آنها سرمایهٔ اجتماعی خود را در خدمت ارتجاع به کار گرفتند؛ دولت آبادی می‌نویسد: «رفته رفته میان احتشام‌السلطنه و رفقای مجلس او کشمکش حاصل می شود. جمعی از نمایندگان کسبه در مجلس و اشخاصی که با احتشام‌السلطنه خصوصیت (روابط خصوصی و نزدیک)و با

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تندروان مجلس رقابت دارند جمع شدند انجمنی تشکیل دادند به حمایت از احتشام‌السلطنه» (دولت آبادی، ۱۳٦۲: ۱۵٦). پس از ریاست احتشام‌السلطنه در مجلس و گرایش او به سمت محمدعلی شاه، بعضی از تجار در مجلس از قبیل حاجی محمداسماعیل تبریزی و سید مرتضوی از کارکنان شاه می‌شوند و دسته‌ای در مجلس به مخالفت با تندروها تشکیل می‌دهند (ملک زاده،۱۳۷۳: ۵۲۳).

موضوع دیگری که باز هم شاهدی بر محافظه‌کاری و سازش بازاریان و انفعال آنها در مقابل استبداد بوده است، انتخاب مشیرالسلطنه و کابینهٔ او توسط شاه بود. مجلس در ابتدا با کابینه مخالفت می‌نماید، اما محمدعلی شاه اعلام می‌دارد در صورت ناخشنودی مجلس از وزرای کابینهٔ مشیرالسلطنه، وزرایی که مورد قبول مجلس نباشند را عزل می‌کند و این پیشنهاد محمدعلی شاه مورد قبول جناح میانه‌رو، به‌خصوص تجار مجلس قرار می‌گیرد و مجلس به کابینهٔ مشیرالسلطنه رأی اعتماد می‌دهد؛ هرچند این کابینه بیش از یک ماه دوام نیاورد و سقوط کرد (ترابی فارسانی ،۱۳۸٤: ۱٦۳ و شجیعی،۱۳۸۳: ۵۰). اما این تغییر نقش‌آفرینی انقلابی به نقش‌آفرینی محافظه‌کارانه و گرایش به ارتجاع و نرمش با مخالفان مشروطه، فقط منحصر به نمایندگان بازاریان در مجلس نبوده است، بلکه در بیرون از مجلس نیز بازاریان تزلزل در طرفداری از انقلاب و عدم ایستادگی در مقابل ارتجاع را در قضیهٔ مشروطه و مشروعه و تحصن شیخ فضل‌اله در عبدالعظیم بر علیه مشروطه به نمایش گذاشتند.

شیخ فضل‌اله در تابستان ۱۲۸٦ از انقلابیون برید و به همراه پانصد تن در حرم عبدالعظیم تحصن کرد و خواهان اعمال قوانین اسلام و مشروطهٔ مشروعه شد. وی به همراه خود، مقلدان لوطی‌اش را به اردوی ضد انقلاب آورد. لوطی‌ها در بازار، که روابط مستحکمی با مناطقی خاص از شهر، اصناف، زورخانه‌ها و شماری از علما داشتند، نقش مهمی در تجمع سلطنت‌طلبان میدان توپ‌خانه ایفا کردند (آبراهامیان، ۱۳۹٤: ۲۹). تأثیر تبلیغات شیخ فضل‌اله بر علیه مشروطه در بازار نیز اثر گذاشت و استیصال را در میان بازاریان به وجود آورد (دولت‌آبادی، ۱۳٦۲: ۱۳۱). در این مرحله بخشی از بازار، به‌خصوص رده‌های پایین‌تر بازار که نیروی انسانی انقلاب را تشکیل می‌داده‌اند و در هنگام نیاز بر علیه حکومت بسیج می‌شدند، در خدمت مشروع‌خواهان و محمدعلی شاه در آمدند.

اولین حرکت جمعی بر علیه مجلس، توسط محمدعلی شاه با کمک تحریک شیخ فضل‌اله و دخالت برخی بازاری‌ها در تاریخ ۹ ذی‌قعده ۱۳۲۵ [۲۲ آذر ۱۲۸٦، ۱٤ دسامبر ۱۹۰۷] آغاز شد (تفرشی، ۱۳۸٦: ٤٤). در این واقعه، بخشی از بازار از سرمایه‌های اجتماعی خود (اعم از شبکه‌های بازار، مشارکت اجتماعی و حمایت از روحانیت) برای رویارویی با مجلس و نقش‌آفرینی ارتجاعی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

استفاده نمودند و چرخش آنها به سمت ارتجاع در واقعهٔ میدان توپخانه عیان شد، هرچند در آن‌سو، طرفداران مشروطه و انجمن‌های انقلابی و بازاریانی حضور داشته‌اند که هنوز طرفدار مشروطه و مجلس بوده‌اند.

بخش‌هایی از بازار که طرفداران مجلس بوده‌اند (اما در موضعی محافظه‌کارانه) از روز دهم ذیقعده (۱۳۲۵ ه ق) پیرامون مجلس گرد آمدند. بازار بسته شد و انجمن اصناف در تأمین خوراک افراد مسلح محافظ مجلس، پیش‌قدم بود. ارباب جمشید و فریدون پارسی نیز با پول و اسلحه به یاری مجلس آمدند (آدمیت، بی تا: ۲۲۹–۲۲۸). حمایت مردم از مجلس باعث عقب نشینی محمدعلی شاه از مواضع اش گردید و از در آشتی و صلح با مجلس درآمد و سوگندنامه‌ای در وفاداری از مشروطیت در روز ١٦ ذیقعده نوشته شد و از طریق عضدالملک به مجلس آورده شد.

ولی بعد از وقایع میدان توپ‌خانه، در درون مجلس برخی از تجار و بازاریان به سمت احتشام‌السلطنه و برخی دیگر مانند حاج محمد اسماعیل تبریزی و سید مرتضوی از کارکنان شاه می‌شوند، دسته‌ای در مجلس تشکیل می‌دهند و مخالف نفوذ تندروان می‌شوند (دولت آبادی، ١٣٦٢: ١٨٣).

مجلس در دو سه ماه آخر کارش از نظم و انضباط برخوردار نبود و هر روز از تعداد حاضران برای مذاکرات و تصمیم‌گیری کاسته می‌شد. در این میان، سه چهار تن از تجار بزرگ از جمله معین‌التجار نیز کناره‌گیری کردند و در سه ماه آخر به مجلس نیامدند. آنها معتقد بودند رفتار جریان‌های تندروی مجلس، موجب عدم همراهی شاه با مجلس و ایجاد نا امنی می‌با شد (آدمیت، بی تا: ۳۱۳).

بازاریان با رفتارهای دوگانه، انفعال، عدم تصمیم‌گیری درست و دو دلی در گرایش به محمدعلی شاه و مشروطه به برکندن بنیاد مشروطه و ازدست دادن فراسرمایه‌ای که بدان دست یافته بودند، دست یازیدند. نمایندگان محافظه‌کار و میانه‌رو مجلس که اکثر آنها بازاری بودند، با آن‌که کارشکنی‌ها و عدم پایبندی محمدعلی شاه به اصول مشروطیت برای آنها، بعد از چندین بار پیمان‌شکنی شاه، آشکار گردیده بود، باز هم دست از گرایشات میانه‌رو و محافظه‌کار خود بر نداشتند و با کوچک‌ترین نرمش متزورانهٔ محمدعلی شاه، به سمت وی گرایش پیدا می‌کردند و به او اعتماد می‌کردند. نتیجهٔ این کنش سیاسی ذاتی نهفته در بازاریان منجر به تصمیم تاریخی محمدعلی شاه به درهم کوبیدن مجلس به کمک قزاقان روسی گردید.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نقش آفرینی انفعالی و ارتجاعی بازاریان، به توپ بستن مجلس و از دست رفتن فراسرمایهٔ بازاریان در مجلس دوم

در اواخر عمر مجلس اول و قبل از به توپ بسته شدن مجلس، تزلزل بازاریان ایرانی در درون مجلس به منصهٔ حضور می‌رسد. آنان نیز مانند گروه‌های بازاری میدان توپ‌خانه آرام آرام دست از حمایت از مشروطه و مجلس کشیدند. با توجه به فشار محمدعلی شاه به مجلس و تقابل تندروان با شاه، جناح محافظه‌کار مجلس که اکثریت آنها را بازاریان تشکیل می‌داده‌اند، در مقابل تندروان قرارگرفتند و به مخالفت با آنها پرداختند. دولت آبادی در خصوص گرایش برخی از بازاریان مطرح در مجلس و دودلی آنها می‌نویسد:

«دستهٔ مخالفین [با جریان انقلابی] در مجلس قوت گرفته است، به‌وجود چند نفر از تجار که در باطن کار تجارت‌شان خراب بودند و به خیال اصلاح کارهای شخصی، داخل مجلس شده‌اند. جمعی از وکلای خائن، روز، وکیل مجلس‌اند و شب، مشاور دربار؛ روز برای ملت حرف می‌زنند و شب برای شاه؛ روز عمامه بر سر می‌گذارند به مجلس می‌آیند، شب، کلاه بخارایی بر سر می‌گذارند، به دربار می‌روند و افکار ضد مجلس را به هیجان می‌آورند» (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۲۷۶- ۲۷٤).

ملک‌زاده نیز در خاطرات خود از اعتماد مجلسیان به شاه، در عین اینکه به چشم لشکرکشی وی را بر علیه مجلس می‌دیده‌اند، چنین روایت می‌کند:

«روز ۱۲ جمادی‌الاول، غلامرضاخان سرتیپ از طرف شاه به مجلس آمد و به رئیس مجلس اظهار کرد که شاه از اجتماع عده‌ای مسلح در مسجد و اطراف آن نگران است و تقاضا دارد که مجلس آنها را متفرق کند تا خود با مجلسیان وارد مذاکره شود و اختلافات را با مسالمت، تصفیه نماید، در صورتی‌که مجلسیان (گروه اکثریت محافظه‌کار) به چشم می‌دیدند که محمدعلی شاه توپ‌های سنگین به دروازه شهر کشیده است و همه روزه عده‌ای مسلح از سرباز و سوار بر اردویی که اطراف باغ شاه تشکیل دادند، افزوده می‌شود و مصمم برای جنگ و از میان بردن مشروطیت است، پیغام محمدعلی شاه را دستاویز قرار دادند و چند نفر از کسانی که بیش از سایر وکلا مورد احترام مردم بودند، برای متفرق کردن مجاهدین به مسجد فرستادند» (ملک زاده، ۱۳۷۳: ٦۸۰).

در نتیجه، مجلسیان محافظه‌کار که اکثریت را تشکیل می‌دادند، رهبران تندروها یعنی بهبهانی و تقی‌زاده را جهت متفرق کردن مجاهدین و انجمن‌ها به میان آنها فرستادند تا مسجد را خالی کنند و متفرق شوند (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ٦۸۳). پس از متفرق شدن آنها، شد آنچه باید می‌شد و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بازاریان در این برههٔ تاریخی از عهدهٔ این مسؤولیت ذاتی خود در تاریخ ایران به خوبی برآمدند و مشروطیت را به استبداد تقدیم نمودند.

تصمیم مجلسیان در این برههٔ تاریخی، تحلیل مارکس را در خصوص ائتلاف بورژوازی و تقدیم قدرت به بناپارت در فرانسه، تداعی می‌کند؛ آنجا که می‌نویسد: «ائتلاف بورژوازی محکوم به شکست‌اند. چرا؟ برای اینکه آنها از یگانه قالب ممکن قدرت مشترک خویش، از نیرومندترین و کامل‌ترین قالب سلطهٔ طبقاتی خود، یعنی جمهوری مبتنی بر قانون اساسی، دست می‌کشند و به قالب پایین‌تر و ضعیف‌تر آن، یعنی سلطنت بر می‌گردند.» (مارکس، ۱۳۸۱: ۱۵۳– ۱۵۲).

در بحبوحهٔ درگیری شاه با مجلس و قبل از به توپ بستن مجلس، گروه‌های مختلف بازاریان و نمایندگان بازار، مواضع دوگانه و یا منفعل در پیش گرفتند. به‌عنوان مثال برای بسته ماندن بازار در اعتراض به شاه، عده‌ای می‌خواهند با پرداخت هزینه‌های شاگردان بازار، تعطیلی بازار را طول بدهند ولی از هیچ کسی حمایتی نمی شود. امین‌الضرب که سردمدار مشروطه‌خواهان بود، با این عقیده همراهی نمی‌کند و حتی معین‌التجار بوشهری از آمدن به مجلس امتناع می‌کند (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۳۰۳– ۳۰۲). در این روزها بازاریان با بستن بازار و عدم توجه به هشدارهای مأمورین و حتی غارت مغازه‌ها، در پشتیبانی از مجلس (البته به نظر ظاهری بود) برخاستند. اما آنچه مسلم است در روز واقعه (۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶)، هیچ کسی به یاری مجلس نیامد و از وکلا به جز چند تن از انقلابیون به مجلس نیامدند. دو رویی و برگشت به عقب بازاریان دو روز پس از به توپ بستن مجلس و دستگیری انقلابیون، بیشتر مشخص است: «بازارها باز، عموم مردم از مشروطه بد می‌گویند.» (کرمانی، ۱۳۹۰: ۸۳۷).

روز ۲۳ جمادی‌الاول، ۱۳۲۶ ه ق [دوم تیرماه ۱۲۸۷ شمسی، ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸] قبل از اینکه صدای شلیک توپ شنیده شود، مردم در مسجد جامع و مسجد شاه جمع شدند. اما دیگر سرمایه‌های اجتماعی آنها برای از دست ندادن فراسرمایه به کار گرفته نشد و حمایت و مشارکت اجتماعی بازار برای حفظ فراسرمایه به پایان رسید. تفرشی می‌نویسد:

«امام جمعه را آورده و کفن به گردن نموده و فریاد وا محمدا وا علیا سر دادند. از آنجایی که رئیس در ستی نداشته‌اند، چند ساعتی فریاد می‌کنند و صدای توپ را هم می شنوند و هی پی در پی خبر هم می رسانند که مجلس را به توپ بستند و خراب کردند و کشتند و چنین و چنان کردند تا قرب به ظهر مردم متفرق می‌شوند و پی کار خود می‌روند و دیگر همت نکرده بودند که به طرف مجلس بروند و حمایت نمایند» (تفرشی، ۱۳۸۶: ۹۶).

ملک‌زاده نیز از عدم حمایت از مجلس توسط برخی از علما و کسبه در روز حادثه و عدم مشارکت آنها در دفاع از مجلس می‌نویسد: «در این روز صدرالعلما، میرزا سید محمد برادر امام

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جمعه و میرزا محمد خراسانی، حسین آقا کاشانی و برخی دیگر از مشروطه‌خواهان، به‌علاوهٔ جمعی از کسبه که نتوانستند خود را به مجلس برسانند، در مسجد جامع شدند و کفن در بر کردند و فریاد وامظلوما را به آ سمان ر سانیدند، ولی برای کمک به مجلس از جای خود حرکت نکردند» (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۷۶۵).

نقش‌آفرینی بازاریان در واقعهٔ به توپ بستن مجلس، انفعالی و ضدانقلابی بوده است؛ آنها نتوانستند به خاطر حفظ منافع خود از فراسرمایه و موقعیتی که برای اولین بار در میدان حکومت به دست آورده بودند، چشم‌پوشی نمایند. فهرست انجمن‌ها و افرادی که در محافظت از مجلس و جنگ با قزاق‌ها اقدام نموده‌اند، نشان می‌دهد که نمایندگان بازار و اصناف علاوه بر اینکه خودشان در مجلس حضور نداشته‌اند، بلکه از طرفداران آنها هم خبری نبوده است (دولت آبادی، ۱۳۶۲: ۳۱۸- ۳۱۷).

ملک‌زاده روایتی از بی‌عملی انجمن‌های تهران در روز به توپ بستن مجلس، ارائه می‌کند و می‌گوید: «از صد و هشتاد انجمن ملی تهران که عدهٔ اعضای آن به سی هزار نفر می‌رسید و بیش از بیست هزار نفر آنها آمادگی خود را برای حفظ مشروطیت اعلام داشته بودند و اسامی خود را در دفترهای مخصوصی نوشته بودند، جز عدهٔ معدودی، کسی در جنگ مجلس شرکت نکرد، سواران خلج که برای مشروطیت آمده بودند، در حرم حضرت عبدالعظیم ماندند و همین که جنگ تمام شد راه فرار پیش گرفتند» (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۷۳۹).

به این ترتیب، مجلسی که حدود ٤٠ درصد آن را بازاریان تشکیل می‌داده‌اند و در شکل‌گیری آن نقش عمده‌ای را ایفا کرده بودند، در این برههٔ تاریخی برحسب خصیصه‌های بازاری خود، مشروطیت را به ارتجاع و استبداد تسلیم نمودند و در این مرحله از جنبش مشروطیت، نقشی انفعالی و حتی ضد انقلابی در پیش گرفتند.

بازاریان فردای کودتا بهتر از روز کودتا، ویژگی‌های دوگانه و متزلزل خود را در تاریخ ایران نشان دادند. با توجه به محافظه‌کاری بازاری مآبانهٔ حاکم بر مجلس، بخشی از این طبقه که رسته‌های پایین‌تری را در برمی‌گرفت، به جبهه سلطنت‌طلبان پیوستند و طرفداران مجلس نیز رویهٔ محافظه‌کارانه را در پیش گرفتند و فردای کودتا با تهدید حکومت بازارها را باز کردند (آبراهامیان، ۱۳۹٤: ۳۹). خصلت خرده بورژوازی در انقلاب مشروطه توسط بازاریان ایران در تاریخ معاصر به منصهٔ ظهور رسید. تفرشی در احوال مردم تهران در کوچه و بازار می‌نویسد: «مردم همه متفکر و متحیر و متزلزل هستند. خداوند عاقبت را به خیر بگرداند. بیشتر مردم در ظاهر تقیه می‌کنند و از مشروطه بد می‌گویند» (تفرشی، ۱۳۸٦: ۱۰۹).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

چند روز پس از به توپ بستن مجلس، امام جمعهٔ تهران عده‌ای از نمایندگان مجلس بسته شده را که بی‌طرف بودند، نزد محمدعلی شاه برد، شاه از تندروی بعضی نمایندگان مجلس و انجمن‌ها و دخالت بی رویهٔ مجلس در تمام امور صحبت نمود و قول برپایی دوباره مجلس را به آنها داد (صفایی، ۱۳۸۱: ۳۱۱). بسیاری از مجتهدین مانند شیخ فضل‌اله نوری و حاج میرزا ابوطالب زنجانی و سید علی اکبر تفرشی و شیخ محمد آملی و نیز بسیاری از بازرگانان و سران اصناف و مالکین و شاهزادگان قجر در باغ شاه گرد می‌آمدند و با شاه ملاقات می‌کردند و هر هفته و هر روز، نامه‌ها و تلگراف‌هایی از روحانیون و بعضی اصناف و اعیان شهرستان‌ها هم در مخالفت با مشروطه و نامشروع بودن آن به دربار و به آقایان و مجتهدین می‌رسید (همان: ۳۱۲).

اینکه بازاریان پس از رسیدن به قدرت و دستیابی به فراسرمایه در مراحل مختلف موضع روشنی به جز محافظه‌کاری نداشته‌اند و پس از واقعهٔ میدان توپ‌خانه گرایش به سلطنت پیدا نمودند در نقش‌آفرینی آنها پس از به توپ بستن مجلس و تلگراف‌هایی که به محمدعلی شاه از شهرهای مختلف و گروه‌های مختلف زده شده است نیز قابل مشاهده می‌باشد. تلگراف‌هایی که از سوی بازاریان مازندران، انزلی، بناب و نانوایان قم نیز دیده می‌شود (ملک‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۱۲– ۹۰۷).

بازاریان پس از سپردن قدرت به سلطنت و از دست دادن فراسرمایه، در دیدار با محمدعلی شاه، هدف و موا ضع خود را به‌طور وا ضح بیان نمودند. آنها نشان دادند که موقعیت متزلزل شان ناشی از جایگاهی است که در ساختار اقتصادی– اجتماعی جامعهٔ سنتی ایران داشته‌اند و به دنبال تغییر ساختارهای سیاسی– اقتصادی جهت توسعهٔ ایران به سمت جامعهٔ مدرن و صنعتی نبوده‌اند. آنها تغییرات را در جهت منافع جامعه نمی‌خواسته‌اند، بلکه آنچه برای بازاریان اهمیت داشته است، حفظ جایگاه آنها و منافع ناشی از این موقعیت اقتصادی– اجتماعی بوده است. شریف کاشانی در خصوص دیدار نمایندگان بازار با محمدعلی شاه و گفت‌وگوی آنها با پادشاه قاجار می‌نویسد:

«در این روزها، از طرف مفاخرالممالک رئیس‌التجار، قریب هشتصد نفر از تجار و اصناف و متفرقه را دعوت به باغ شاه نموده‌اند که روز پنج شنبه ۲۵ شوال ۱۳۲۶ ه ق [برابر ۱۲۸۷ شمسی] حضور شاه شرف‌یاب شوند که: ما مشروطه نمی‌خواهیم. از قرار مذکور از هشتصد نفر مدعوین تجار، یکصد و هشتاد نفر حاضر شده بودند. شاه از عموم احوال‌پرسی کرد؛ شاه فرمود که تجار روح مملکت می‌با شند. حاج ا سماعیل مغازه حرف را گرفت (شروع به صحبت نمود)و عرض کرد: بله قربان! همین‌طور است که می‌فرمائید. صنیع‌الممالک [مدیر انجمن تجار شده بود] در حضور ملوکانه عرض کرد: تمام تجار و کسبه، عرض شان این است که ما سال‌ها شاه‌پرست بوده‌ایم، به جز شاه‌پرستی، کاری نداریم. مقصود ما، حصول این است یک قانونی به جهت ما بگذارند که آسوده باشیم و از روی آن قانون، عمل شود و ظلمی بر کسی واقع نشود. اسم مشروطه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

را هم نمی‌خواهیم؛ به کلی متروک بفرمائید که ابداً این اسم در کار نباشد، که مخالف قانون اسلام است» (شریف کاشانی، ۱۳٦۲: ۲۳۷- ۲۳٦).

تفرشی نیز به تغییر موضع بازاریان و روابط آنها با سلطنت اشاره کرده و می‌نویسد: «روز پنج شنبه ۲۵ [جمادی الاول] جماعت تجار را به حضور خواستند و شرف‌یاب شده‌اند و حاجی محمد اسماعیل آقا وکیل و سید مرتضوی وکیل سر دسته و شافع تجار بوده‌اند، کمال مرحمت دربارهٔ تجار مبذول شده است» (تفرشی، ۱۳۸٦: ۱۰۰).

پس از به توپ بستن مجلس، برخی از بازاریان ایرانی- حاملان روح خرده بورژوازی- از نقش‌آفرینی محافظه‌کارانه گذر کردند و نقش ارتجاعی را در میدان سیاسی ایران ایفا کردند چنان‌که شریف کاشانی در خصوص نقش‌آفرینی ارتجاعی برخی از بازاریان می‌نویسد: «از قرار راپرت‌چیان سری باغشاه، حاجی امام جمعه خویی و حاجی محمداسماعیل آقا و حاجی معین بوشهری اغلب شب‌ها خدمت شاه می‌روند و مورد تلطفات واقع‌اند» (شریف کاشانی، ۱۳٦۲: ۱۹۲).

بازاریان پس از به توپ بستن مجلس و در دوران استبداد صغیر، موضعی که نشان‌دهندهٔ نقش‌آفرینی و یا گرایش انقلابی از سوی آنان باشد را از خود نشان ندادند. اکثریت بازار، موضعی انفعالی و محافظه‌کارانه در پیش گرفتند و به جز موارد معدودی، از بسته شدن بازار و یا تحصن چند صد نفره در سفارت عثمانی اقدامی که نشان از نقش‌آفرینی انقلابی بوده باشد، از خود نشان ندادند. از محرم سال ۱۳۲۷ ه.ق و با حرکت بختیاری‌ها از اصفهان، در تهران برخی از اصناف بازارها را بستند و برخی به سفارت عثمانی می‌روند. تفرشی می‌گوید: «شنبه ۲۱ {محرم} صنف بزاز و ارسی‌دوز و کلاهدوز و تیمچه‌ها بسته‌اند. روز یکشنبه صراف‌ها هم بستند تا روز پنج شنبه ۲٦ محرم ۱۳۲۷، که دکاکین بازار از قبیل اصناف مذکور بسته‌اند: بزاز، صراف، زرگر، کلاه دوز، ارسی‌دوز، گبرها، تیمچه‌ها و کاروانسراهای بازار بسته‌اند و خیلی‌ها را گرفتند و چوب زده‌اند.» (تفرشی، ۱۳۸٦: ۱٤۱).

اما حضور بازاریان در سفارت عثمانی، دیگر همانند مشروطهٔ اول چند هزار نفر را در بر نمی‌گرفت. در این مرحله، شواهدی دال بر هزینهٔ سرمایهٔ اقتصادی- اجتماعی برای دستیابی به فراسرمایه از سوی بازاریان به چشم نمی‌خورد و نشانی از بسیج نیروها، تأمین هزینه‌های بست‌نشینی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اعتبار اجتماعی نمی‌باشد. ملک‌زاده در خصوص فعالیت بازاریان در مشروطهٔ دوم و دوران استبداد صغیر می‌نویسد: «صدرالعلما و میرزا سید محمد امام با جمعی از مشروطه‌خواهان و تجار و اصناف به سفارت عثمانی رفتند و به زحمت موفق

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

شدند که در آنجا پناهنده گردند اما، تعداد پناهندگان به سفارت، بیش از چند صد نفر نبوده است (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۹۷۹).

چنان‌که مشخص است و از شواهد بر می‌آید، بازاریان دیگر آن همبستگی و بسیج توده‌ای مشروطهٔ اول را نداشتند و از سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی خود در راستای مشروطه‌خواهی استفاده ننمودند. آنچه که مسلم است در مشروطهٔ دوم، گروه‌های دیگری نقش‌آفرین بوده‌اند و بازاریان از مبارزه برای دستیابی دوباره به فراسرمایه دست کشیدند؛ ترکیب مجلس دوم، شاهدی بر این ادعا می‌باشد.

پس از پیروزی مجاهدین در تهران، قوهٔ مجریه و مقننه به دست انقلابیون افتاد و برای رسیدگی امور مملکتی، سپهدار به سمت وزیر جنگ و سردار اسعد به وزارت داخله انتخاب شدند (همان: ۱۲۳۹). یکی از آنها جزء ملاکین بزرگ و دیگری رئیس ایل بختیاری بود. سیستم صنفی انتخابات لغو شدو شرط داشتن دویست و پنجاه تومان دارایی و یا پرداخت مالیات به میزان ده تومان، به‌عنوان شرایط انتخاب نماینده تصویب شد. در مجلس دوم، تعداد نمایندگان، ملاک افزایش یافت و حکومتی از ملاکین و خوانین بختیاری تشکیل شد و فراسرمایه به ائتلاف ملاکین و عشایر (گروه‌های سنتی دارندهٔ قدرت) انتقال یافت و حتی انقلابیون شهری مانند مجاهدان تبریز نیز از آن بی بهره ماندند.

سلسلهٔ قاجار دست نخورده باقی ماند و دولت و مجلس مبلغ ۱۰۰ هزار تومان در سال برای محمدعلی شاه حقوق تعیین کردند و پس از خلع، او را به فرنگ فرستادند. دولت برای رفع بحران مالی، مالیات‌های جدید وضع کرد (مالیات بر چهار چرخه، قاطر و حیوانات بارکش) و مالیات‌های سابق را بالا برد. حکومت سپهدار و بختیاری‌ها به قرضهٔ خارجی متوسل شد و قرضهٔ جدیدی به مبلغ ۱۲/۵ میلیون لیره استرلینگ از روس و انگلیس دریافت کرد. در داخل نیز، دسته‌های فداییان (متشکل از گروه‌های انقلابی شهری) خلع سلاح و سرکوب شدند و در مواردی مورد تعقیب قرار گرفتند (ایوانف، ۱۳۵٤: ٦۳).

در مجلس دوم، از بازاریان فقط تجار، ۵درصد ازکرسی‌ها را تصاحب کردند و بازاریان به‌طور کلی از کسب فراسرمایه قطع ید گردیدند؛ این پایانی بود بر حضور بازار در حکومت‌های معاصر ایران پس از مشروطهٔ اول تا انقلاب ۱۳۵۷ ایران و سربرآوردن مجدد آنها و دستیابی موفق‌شان به فراسرمایه در تاریخ یک صد سال اخیر ایران.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، شناسایی نوع نقش‌آفرینی بازاریان در فرآیند انقلاب مشروطه، از مشروطهٔ اول تا تشکیل مجلس دوم، جهت دستیابی به فراسرمایه بوده است. به همین منظور، نشان داده شد که چگونه بازاریان با استفادهٔ هم‌زمان از سرمایهٔ اقتصادی و اجتماعی خود توانستند نقشی اساسی در پیروزی انقلاب مشروطیت داشته باشند و برای نخستین بار، به‌عنوان یک نیروی اجتماعی شهرنشین، در تاریخ تحولات اجتماعی ایران، در میدان حکومت به فراسرمایه دست یابند. اما بازاریان پس از حضور در میدان حکومت، فقط توانستند در قوهٔ مقننه (مجلس شورای ملی) مناصب سیاسی به دست آورند و در دولت و قوهٔ قضائیه از کسب مناصب محروم بودند. نکتهٔ قابل توجه آنکه آنها پس از حضور در مجلس اول وکسب فراسرمایه در نگهداری و حفظ آن موفق نبودند و با تغییر نوع نقش‌آفرینی خود از انقلابی به محافظه کار و حتی ارتجاعی، از سرمایه‌های اجتماعی خود در برابر جناح انقلابی مجلس قرار گرفتند و به تغییر روند جنبش و شکست مشروطه‌خواهان در مجلس اول در برابر استبداد کمک کردند که نتیجهٔ آن، به توپ بستن مجلس اول، بسته شدن مجلس و حذف بازاریان در انتخابات مجلس دوم بوده است. بازاریان ایرانی، همان نقشی را در جنبش مشروطه ایفا نمودند که خصلت عام خرده بورژواها در انقلاب‌ها بوده است؛ خصلت‌هایی همچون عدم گرایش این طبقه به تحولات بنیادین و دل کندن از سنت‌ها، گرایش سیاسی محافظه‌کارانه در میدان سیاست و گرایش به ارتجاع و تزلزل در فرآیند انقلاب‌ها (مارکس، ۱۳۸۱؛پولانزاس، ۱۳۹۱؛ بوردیو،۱۳۹۱). نمودهای عینی این خصلت‌ها در نقش‌آفرینی بازاریان قبل از پیروزی انقلاب مشروطیت تا تشکیل مجلس دوم قابل مشاهده بوده است و نتیجهٔ تزلزل آن‌ها به آرمان‌های جنبش مشروطه، تسلیم انقلاب به ضد انقلاب و استبداد بوده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹٤) **مردم در سیاست ایران**، ترجمهٔ بهرنگ رجبی، تهران: چشمه.

۲- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷) **ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران**، تهران: گستره.

۳- آدمیت، فریدون (بی تا) «ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران»، **جلد دوم مجلس اول و بحران آزادی**، تهران: روشنگران.

٤- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۱) **پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای ملی)**، تهران: کتاب سیامک.

٥- اشرف، احمد (۱۳٥۹) **موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دورهٔ قاجاریه**، تهران: زمینه.

٦- اشـــرف، احمد و علی بنو عزیزی (۱۳۸۷) **طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران**، ترجمهٔ سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.

۷- ایوانف، **میخاییل سرگیویچ** (۱۳٥٤) **انقلاب مشروطیت ایران**، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۸- بشـیری، احمد (۱۳٦۳) **کتاب آبی: گزارش‌های محرمانهٔ وزارت امور خارجه انگلیس دربارهٔ انقلاب مشروطهٔ ایران**، تهران: نو.

۹- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۹) **نظریهٔ کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی**، ترجمهٔ مرتضـــی مردیها، تهران: نقش و نگار.

۱۰- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۱) **تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی**. ترجمهٔ حسن چاوشیان، تهران: ثالث.

۱۱- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۷) **دربارهٔ دولت: کلاس‌های کالج فرانســه**، ترجمهٔ ســروش قرائی، تهران: مولی.

۱۲- پولانزاس، نیکوس (۱۳۹۱) **طبقه در سرمایه‌داری معا صر**، ترجمهٔ حســن فشـارکی و فرهاد مجلسی‌پور، تهران: رخ داد نو.

۱۳- تیلی، چارلز (۱۳۸۳) **انقلاب‌های اروپایی (۱۹۹۲- ۱٤۹۲) بررسی تحلیل پانصد سال تاریخ سیاسی اروپا**، ترجمهٔ بهاءالدین بازرگانی گیلانی، تهران: کویر.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۴- تیلی، چارلز (۱۳۸۵) «آیا مدرنیزاسیون باعث انقلاب می شود؟»، **مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها**، ویراستاری جک گلدستون، ترجمهٔ محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.

۱۵- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸٤) **تجار، مشروطیت و دولت مدرن**، تهران: تاریخ ایران.

۱۶- تفر شی ح سینی، احمد(۱۳۸٦) **روزنامهٔ اخبار م شروطیت و انقلاب ایران**، به کو شش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

۱۷- حسینی نوذری، سید علی اصغر؛ فاضل، رضا و حسین کردی (۱٤۰۱) «سرمایهٔ اقتصادی-اجتماعی بازاریان و نقش آفرینی آنها در انقلاب مشروطه»، **جامعه‌شناسی تاریخی**، ۱٤(۱): ۳۰۰-۲٦۱.

۱۸- دولت آبادی، یحیی (۱۳٦۲) **حیات یحیی**، تهران: جاویدان.

۱۹- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۰) **دو رساله دربارهٔ انقلاب مشروطیت ایران**، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

۲۰- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳٦۲) **واقعات اتفاقیه در روزگار**، به کوشش منصوره اتحادیه و سعید سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.

۲۱- شجیعی، زهرا (۱۳۸۳) **نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی**، تهران: سخن.

۲۲- صفایی، ابراهیم (۱۳۸۱) **تاریخ مشروطیت به روایت اسناد**، تهران : ایران یاران.

۲۳- کاتوزیان تهرانی، محمدعلی (۱۳۸۸) **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲٤- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۹۰) **تاریخ بیداری ایرانیان**، تهران: کوشش.

۲۵- لنین، ولادیمیر ایلیچ (۱۳٦۰) **در برخورد به خرده بورژوازی (گزیده مقالات)**، ترجمهٔ احمد صادقی، تهران: گزیده.

۲٦- مارکس، کارل و فردریک انگلس (۱۳۸۸) **مانیفست کمونیست**، ترجمهٔ مسعود صابری، تهران: طلایه پرسو.

۲۷- مارکس، کارل (۱۳۸۱) **نبرد طبقاتی در فرانسه از ۱۸٤۸ تا ۱۸۵۰**، ترجمهٔ باقر پرهام، تهران: مرکز.

۲۸- ملک زاده، مهدی (۱۳۷۳) **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**، تهران: انتشارات علمی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]